

پیش‌خواب

نظری و گذری بر موضوع و مضمون اثر تاریخی- پژوهشی «ملی- مذهبی‌ها»

فراز و فرودهای یک جریان سیاسی- مذهبی

■ شاهد توحیدی



سیاسی، اهمیت افزون یافته و از ضرورت‌های تاریخ‌نگاری معاصر ایران به شمار می‌رود. مرکز اسناد انقلاب اسلامی در منشورات اخیر خویش، نام اثری به نام «ملی- مذهبی‌ها» را دارد که البته این عنوان را با نهضت آزادی مترادف گرفته و به بررسی تاریخچه این جریان سیاسی پرداخته است. ناشر در دیباجه خویش بر این اثر ودر تبیین موضوع و مضمون این پژوهش چنین آورده است:

«در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ از دوران نهضت مقاومت ملی، تشکل جدیدی به وجود آمد که اسم خود را نهضت آزادی ایران نامید. آیت‌الله سیدحمود طالقانی، مهدی بازرگان و بدالله سبحانی که از رهبران نهضت مقاومت ملی بودند، این تشکل را همراه جمعی دیگر به وجود آوردند. مهندس مهدی بازرگان در جلسه‌ای که در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰ برای تأسیس نهضت آزادی ایران تشکیل شده بود، بیان داشت که نهضت آزادی ایران به هیچ وجه در صد ایجاد دگانی در مقابل جبهه ملی ایران و در عرض آن نیست، بلکه در طول آن و در حکم یکی از عناصر تشکیل دهنده و تکمیل کننده آن است. او گروه جدیدالتأسیس را چنین معرفی می کند: ما مسلمان، ایرانی، تابع قانون اساسی و صدیقی هستیم. . . مصدقی بودن نهضت آزادی ایران، جنبه بسیار بارزی داشت و سایر ابعاد آن تشکل با همین عنوان قابل تحلیل بود و به همین دلیل می توان گفت که عضویت افرادی مانند حسن نرزه در نهضت آزادی ایران، انگیزه مذهبی آن را بسیار تردیدآمیز می کند،



۱۳۵۴مهندس مهدی بازرگان در حالیه یکی از سخنران‌ها

چه اینکه حسن نرزه اصولاً یک فردی غیرمذهبی بود و اولین کسی بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عمل به احکام اسلامی را نه مفید می‌دانست و نه ممکن. ولی از سوی دیگر حضور برخی روحانیون و اشخاص مذهبی مانند آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله زنجانی، بدالله سبحانی و مهدی بازرگان، رنگ و صیغه مذهبی نهضت آزادی را بیشتر می کرد. به عبارت دیگر، انگیزه تأسیس نهضت آزادی ایران قبل از اینکه مذهبی باشد، سیاسی بوده است و رنگ مذهبی آن بیشتر به دلیل حضور برخی اشخاص مذهبی در آن بود. در واقع ملی گرای و گرایش به سوی ارزش‌های لیبرالی جایگاه اساسی و هسته مرکزی پیدایش تشکل مذکور بوده است.

از سوی دیگر، نهضت آزادی ایران طی اعلامیه‌ای رسمی، بعداز انتصاب بازرگان به نخست‌وزیری دولت موقت توسط امام خمینی، حمایت از دولت بازرگان را وظیفه‌ای دینی و شرعی و مستند به نصب آن از سوی زعیم عالیهقدر امام خمینی بنا به حق شرعی و قانونی خویش نمود و آن را به آیه شریفه اطیوعوا الله و اطیوا الرسول واولی الامر منکم، مستندترین مسئله نزدیک شدن مواضع نهضت آزادی به رهبری انقلاب اسلامی و فعالیت‌های آن بر ضد رژیم پهلوی، اساس اندیشه سیاسی و تفکر این جریان انقلابی نبود، بلکه نهضت آزادی ایران یک جریان فکری اصلاحی بود که ضمن رد یک انقلاب تمام‌عیار، در چارچوب قانون اساسی مشروطه، خواهان اصلاحات بود تا از رهگذر آن اصول دمو کراسی اجرا شود. به عبارت دیگر هر چند که در هنگام انتصاب آقای مهندس بازرگان به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت، نهضت آزادی با صدور اطلاعیه‌ای، ولایت فقیه را پذیرفت، ولی این پذیرش یک امر سیاسی بوده است و نه یک ایدئولوژی بنیادی به عنوان شالوده تأسیس حکومت اسلامی در عصر غیبت امام عصر؛ چراکه آن هنگام که در سال ۱۳۵۸ در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ولایت فقیه تصویب شد، مزمرهای مخالفت نهضت آزادی با تصویب آن شروع شده به گونه‌ای که در میانه کار مجلس مذکور، دولت موقت با تصویب مصوبه‌ای خواستار انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی گردیده بود که با مقاومت امام خمینی در این اقدام خود با شکست مواجه شد.»

■ سمانه صادقی

سال‌رو‌هایی که در پی هم می‌آیند، بی‌تردید ما را به باز خوانی‌ها و تردیدهای جدید از وقایع تاریخی می‌خوانند. این تدبیر می‌تواند ما را به درکی واقعی‌تر از این دست وقایع رهنمون ساخته و توشه‌ای برای آینده گردد. مقالی که در پی می‌آید، به همین قصد و در باز خوانی زمینه‌های کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به نگارش در آمده است. امید آنکه مقبول آید.

■ ■ ■

ملت ایران در ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۲۹ از نظر پارلمانی توانستند صنعت نفت را ملی کنند و دنیا هم این مسئله را پذیرفت اما بی‌خبری‌شان از سیاست‌های حاکم بر دنیا، کام شیرین‌شان را زود تلخ کرد چون ایشان نمی‌دانستند که بازار نفت در دنیا به دو نیمکره غربی و شرقی تقسیم شده که بخش غربی در اختیار بریتیش پترولیوم و کمپانی فرانسیس پترول فرانسه و کشور هلند است. علاوه بر اینکه نفتکش‌ها نیز زیر نظر همین شرکت‌ها فعالیت می‌کنند و بدون اجازه آنها هیچ نفتکشی حق حمل نفت را ندارد. البته چند شرکت امریکایی مثل التون جوز با اعلام اینکه نفتکش در اختیار دارند، خواهان نفت ایران شدند اما صحبت‌هایشان به مرحله عمل نرسید. از طرفی دکتر مصدق پس از آنکه به نخست‌وزیری رسید تصور می‌کرد برای اداره کشور باید به احزاب مختلف آزادی داده شود تا تعداد احزاب کشور در آن دوره بسیار افزایش یافت. به طوری که حزب توده علیه دکتر مصدق دست به تبلیغات می‌زد و وی را مهره سیاه امریکا و اشراف‌زاده می‌خواند و عقیده داشت وی می‌خواهد نفت ملت ایران را از انگلیس بگیرد و به امریکا تقدیم کند. البته در واقعیت هم دکتر مصدق معتقد بود انگلیسی‌ها طی ۵۰ سال معادن ما را غارت کرده‌اند به همین خاطر هم به کمک امریکایی‌ها امیدوار بود اما عمر این خوشبینی نخست‌وزیر کوتاه بود چون به واسطه تبلیغات دولت انگلیس نسبت به حزب توده کم‌کم دولت امریکانظرش نسبت به ملی شدن صنعت نفت ایران تغییر کرد و با ایشان برای برپایی کودتایی در ایران همکاری نمود.

■ پیش‌زمینه‌های برگزاری رفراندوم

دکتر مصدق پس از آنکه به نخست‌وزیری رسید در پی اصلاحات کشور برآمد از جمله اصلاح قانون انتخابات اما در مجلس شانزدهم اقتدر بحث ملی شدن نفت داغ بود که فرصتی برای اصلاح قانون انتخابات نمی‌ماند. به همین روی انتخابات مجلس هفدهم با همان قانون گذشته برگزار شد ولی دکتر مصدق پیرو برنامه اصلاحی‌اش همچنان در صدد بود در قانون انتخابات تغییراتی ایجاد کند اما مهم‌ترین مسئله پس از شروع کار مجلس هفدهم شکاف موجود میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی واز دست دادن پایگاه

کودتاچیان پس از فتح دفتر نشریات و احزاب وابسته به جبهه ملی – که وابسته به دکتر مصدق بودند – با سر دادن شعار «مرده باد مصدق» و «زننده باد شاه» به طرف خانه نخست‌وزیر در خیابان کاخ و را دو بر حرکت کردند. دکتر مصدق هنگامی از عمق بحران مطلع شد که دیگر امور از دستش خارج شده بود لذا با فرار از منزلش به منازل اطراف تنها توانست جان خود را نجات دهد

مردمی دولت بود.

انتخاب افرادی همچون سرلشکر وثوق یا آقای دکتر اخوی یا آقای نصرت‌الله امینی که در کشتار ۲۰ ۱۳۳۱ نقش داشتند و ایجاد فضای باز سیاسی از جمله عوامل بروز اختلافات میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی بود. به طوری که دکتر مصدق تصمیم گرفت به جای آیت‌الله کاشانی که ریاست وقت مجلس را برعهده داشت فردی طرفدار خود را به جای ایشان به ریاست بگمارد. البته تلاش‌های نخست‌وزیر جواب داد که تا ۱۰ تیرماه ۱۳۳۲ پس از انتخاب هیئت رئیسه جدید مجلس، دکتر عبدالله معظمی نامزد مورد حمایت دکتر مصدق توانست با ۴۱ رأی به ریاست مجلس هفدهم برسد. اما عمر این پیروزی کوتاه بود چون ریاست کمیسون‌های قضایی، دفاع ملی، اقتصاد ملی، امور خارجه، کار و اقتصاد به مخالفان دولت رسید. همچنین انتخاب حسین مکی به عنوان یکی از ناظران مجلس در بانک ملی ایران، ضربه سنگین دیگری را به دولت وارد کرد. چون مکی پس از آنکه به این سمت انتخاب شد، اعلام کرد قصد دارد در خصوص رواج شایعاتی در زمینه تأمین هزینه‌های دولت با چاپ غیر قانونی اسکناس، تحقیق و تفحص نماید. انتشار نامه‌های دکتر مصدق به آیزنهاور و رد درخواست کمک به ایران از سوی امریکا نیز از عوامل مؤثر در کاهش میزان محبوبیت دولت مصدق نزد مردم بود، به طوری که باعث شد نمایندگان مخالف دولت در این خصوص از وی توضیح بخواهند. حتی یکی از نمایندگان در مجلس اعلام کرده بود اگر دکتر مصدق به لحاظ جسمی توان حضور در مجلس را ندارد، باید در وضع روانی‌اش شک کرد!

■ لجاجت مصدق برای انحلال مجلس

محمد مصدق که پس از راهپیمایی ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ به کمک آیت‌الله کاشانی و مردم توانسته بود در برابر دربار و مخالفانش در مجلس قد علم کند، تصور می‌کرد در هر شرایطی مردم از وی حمایت خواهند کرد. لذا به پشتوانه حمایت مردم، ۹ اسفند ۱۳۳۱ نخستین بار در جلسه خصوصی مجلس صحبت از انحلال مجلس کرد. وی پس از آن به دنبال بالا گرفتن اختلافاتش با برخی نمایندگان مجلس هفدهم ۴ تیر ۱۳۳۲ با دعوت برخی نمایندگان به منزلش اعلام کرد: «با وضع فعلی مجلس دولت که مسئول اداره مملکت است به هیچ وجه نمی‌تواند از اختیارات خود صرف نظر کند، زیرا صرف نظر کردن از اختیارات با وضع فعلی مجلس که کوچک‌ترین قدمی در راه اصلاحات بر نمی‌دارد، به نظر دولت کاملاً برخلاف مصلحت و مضر به حال مملکت است و قابل دوام نیست و دولت در مقابل مردم اخلاقاً قانوناً مسئولیت دارد و نمی‌تواند ناظر این اوضاع باشد و ناچار برای رفع این مشکلات باید چاره‌ای بیندیشد.» انتشار این سخنان در جامعه اعتراضات بسیاری را به همراه داشت به طوری که در جلسه دیگری که در



نظر و تحلیلی از زمینه‌های کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

پایان تراژیک یک نهضت پیروز!

۲۳ تیرماه در منزل دکتر مصدق تشکیل شد، مهندس رضوی خطاب به دکتر مصدق گفته بود: «قای دکتر مصدق شما تا به حال هر چه خواستید به ما تحمیل کردید و ما حرفی نزدیم. شما بر خلاف قانون اساسی از مجلس اختیار گرفتید و بر خلاف قانون دو سال است که حکومت غیرقانونی نظامی اعلام فرموده‌اید و برخلاف قانون در انتخاب رئیس مجلس دخالت نمودید و با تمام این جریانسات ما چیزی نگفتیم ولی دیگر در مورد رفراندوم سکوت نمی‌کنیم.» هر چند که تا ۲۴ تیرماه هفدهم لازم به برگزاری رفراندوم نیست، شرایط کنونی برای ادامه کار مجلس مناسب نیست، به طور دسته‌جمعی استعفا و اعلام کردند برای اینکه مشخص شود باید دولت مصدق به فعالیت خود ادامه دهد یا مجلس هفدهم لازم به برگزاری رفراندوم است. لجاجت دکتر مصدق برای انجام رفراندوم و انحلال مجلس باعث شد آیت‌الله کاشانی ۱۰ مردادماه طی اعلامیه‌ای شرکت در رفراندوم را تحریم کند. در این اعلامیه هفدهم ولی عصر(عج) و حرام استیز، و البته اعلامیه قبلی از مفاسد و مضار رفراندوم شرحی متذکر و همه مستحضر گردیده و توجّه دارند که عمل به آنچه ضررهایی برای دیانت و ملت و مشروطیت و مملکت و برادران و این حال دوران خود را دوره انقراض دیانت آن کشور (سیا) بینهایت منتشر و نسبت به اوضاع داخلی ایران و ادامه حکومت و کتسر مصدق ابراز و نگرانی و اعلام کرد دیگر نمی‌تواند به دولت مصدق کمک کند. در ادامه روند برنامه‌ریزی انجام کودتا از ثزال شوار تسکف امریکایی که از او به عنوان یکی از طراحان «کودتای ۲۸ مرداد» یاد می‌شود، چهار مردادماه وارد تهران شد. اشرف پهلوی خواهر شاه هم که دهم مردادماه ۱۳۳۱ به خاطر دخالت در امور دولت و همکاری با عوامل بیگانه دولت دکتر مصدق به خارج از کشور تبعید شده بود، نیز در همین روز مخفیانه و با گذرنامه جعلی وارد تهران شد. هر چند که مقامات دربار و خانواده شاه بعدها مدعی شدند از آمدن اشرف بی خبر بودند. روزنامه فرانسوی «پاری ماچ» به دلیل سخنرانی خاص بارگشت پنهانی اشرف از تبعید نوشت: «اشرف به تهران رفته بود تا قسمتی از ارتش را علیه مصدق نخست‌وزیر بشویند.» با کامل تر شدن تیم کودتاگران برنامه‌ریزی‌ها و جلسات مختلفی برای انجام کودتا انجام می‌شد. در همین راستا ۱۱ مردادماه کریمت روزولت مأمور سازمان سیا و یکی از طراحات اصلی کودتا، با شاه ملاقات کرد. در این ملاقات طرفین توافق کردند سرلشکر مصدق را زاهدی جایگزین مصدق شود و کابینه جدیدی مجلس، طبق قانون اساسی انحلال مجلس قبل از پایان دوره فعالیت، تنها با تصویب نمایندگان یا با فرمان شاه تشکیل دهد. ۱۸ مردادماه مجدداً روزولت با شاه ملاقات کرد و ضمن برنامه‌ریزی برای کودتا، قرار شد که شاه هنگام کودتا در ایران نباشد. در واقع برای برانداختن دولت مصدق، اتحادی میان شاه ایران، وینستون چرچیل، انتونی ایدن، آیزنهاور، جان فاستر دالس و سازمان سیا تشکیل شد.

■ روز موعود



۱۳۳۲. دکتر محمد مصدق در حالیه بر گزاری محکمه نظامی

د

شاه منتظر انحلال مجلس از سوی نخست‌وزیر بود تا مطابق قانون اساسی وی را بر کنبار نماید. این نکته‌ای بود که بارها از سوی اطرافیان دکتر مصدق به وی گوش زده شده بود ولی غرور نخست‌وزیر سبب شد تصور کند شاه جرئت چنین کاری را در حشش ندارد. سر انجام دکتر مصدق به رغم مخالفت دوستان رفراندوم را بر پا کرد و پس از پایان رأی گیری اعلامیه انحلال مجلس را سر بعا به اطلاع شاه رساند، اما شاه مجلس هفدهم را منحل نکرد!

نخست‌وزیر نیز مثل روز روشن بود که شاه بنا به خواست دکتر مصدق رأی به انحلال مجلس نمی‌دهد. در واقع شاه منتظر انحلال مجلس از سوی نخست‌وزیر بود تا مطابق قانون اساسی وی را بر کنار و نخست‌وزیر جدیدی را جایگزین نماید. این نکته‌ای بود که بارها از سوی اطرافیان دکتر مصدق به وی گوش زده شده بود ولی غرور نخست‌وزیر سبب شد تصور کند شاه جرئت چنین کاری را در حشش ندارد. سر انجام دکتر مصدق به رغم مخالفت دوستان و مشاورانش رفراندوم را در دو روز و در شرایط خفقان‌آوری بر پا کرد و پس از پایان رأی‌گیری اعلامیه انحلال مجلس را صادر و نتیجه را سر بعا به اطلاع شاه رساند و از وی خواست که فرمان آغاز انتخابات دوره هفدهم را صادر کند. اما شاه مجلس هفدهم را منحل نکرد.

■ پیمانی برای سرنگونی مصدق

۲۰ خردادماه ۱۳۳۲ مسئولان دستگاه‌های امنیتی امریکا و انگلیس و طراحان کودتا، نشست چهار روزه‌ای را در بیروت برای ایجاد هماهنگی در انجام کودتا در ایران آغاز کردند. از طرفی کریمت روزولت و دونالد ویلبر در ۲۵ خردادماه با تغییراتی در متن طرح سرنگونی دکتر مصدق، این طرح را با مقامات «پنتاگنت سروس» در میان گذاشتند. در ۲۹ خردادماه نیز طرح عملیاتی براندازی دکتر مصدق برای تصویب نهایی در اختیار رئیس سازمان سیا، رئیس سازمان اینتلیجنس سروس، وزارت امور خارجه امریکا و وزارت امور خارجه انگلستان قرار گرفت. روی گردانی دولت امریکا از همراهی با دولت ایران که تحت تأثیر تبلیغات انگلیس شکل گرفته بود، باعث شد ۲۰ تیرماه دکتر مصدق در نامه‌ای از آیزنهاور از موضوع دولت امریکا در قبال ایران ابراز ناز ناشتی کند و خواهان افزایش کمک‌های اقتصادی آن کشور به ایران شود. البته آیزنهاور در پاسخ به مصدق توصیه کرده بود تا فرصت باقی است، برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع دست به اقداماتی برند. در نهایت هم هفت مردادماه وزارت امور خارجه امریکا به پیشنهاد سازمان اطلاعات آن کشور (سیا) بینهایت منتشر و نسبت به اوضاع داخلی ایران و ادامه حکومت و کتسر مصدق ابراز و نگرانی و اعلام کرد دیگر نمی‌تواند به دولت مصدق کمک کند. در ادامه روند برنامه‌ریزی انجام کودتا از طراحان «کودتای ۲۸ مرداد» یاد می‌شود، چهار مردادماه وارد تهران شد. اشرف پهلوی خواهر شاه هم که دهم مردادماه ۱۳۳۱ به خاطر دخالت در امور دولت و همکاری با عوامل بیگانه دولت دکتر مصدق به خارج از کشور تبعید شده بود، نیز در همین روز مخفیانه و با گذرنامه جعلی وارد تهران شد. هر چند که مقامات دربار و خانواده شاه بعدها مدعی شدند از آمدن اشرف بی خبر بودند. روزنامه فرانسوی «پاری ماچ» به دلیل سخنرانی خاص بارگشت پنهانی اشرف از تبعید نوشت: «اشرف به تهران رفته بود تا قسمتی از ارتش را علیه مصدق نخست‌وزیر بشویند.» با کامل تر شدن تیم کودتاگران برنامه‌ریزی‌ها و جلسات مختلفی برای انجام کودتا انجام می‌شد. در همین راستا ۱۱ مردادماه کریمت روزولت مأمور سازمان سیا و یکی از طراحات اصلی کودتا، با شاه ملاقات کرد. در این ملاقات طرفین توافق کردند سرلشکر مصدق را زاهدی جایگزین مصدق شود و کابینه جدیدی مجلس، طبق قانون اساسی انحلال مجلس قبل از پایان دوره فعالیت، تنها با تصویب نمایندگان یا با فرمان شاه تشکیل دهد. ۱۸ مردادماه مجدداً روزولت با شاه ملاقات کرد و ضمن برنامه‌ریزی برای کودتا، قرار شد که شاه هنگام کودتا در ایران نباشد. در واقع برای برانداختن دولت مصدق، اتحادی میان شاه ایران، وینستون چرچیل، انتونی ایدن، آیزنهاور، جان فاستر دالس و سازمان سیا تشکیل شد.

■ پایان کار

با وقوع کودتا، کابینه دکتر مصدق سقوط کرد و سپهبد فضل‌الله زاهدی عهده‌دار تشکیل کابینه‌ی جدید شد. البته به دلیل بی‌کفایتی محمدرضا پهلوی و عملکردش در جریان پیشرفت کودتا وزارت‌خارجـه انگلیس در تلگرافی به سفیر آن کشور در واشنگتن اعلام کرد: «شاه بدون کمترین توضیحی به شأن و مقامش فرار کرد. در چنین وضعی پیام او به مردم ایران تأثیر مثبتی نخواهد داشت و امیدی به آینده او به عنوان یک رهبر مورد اعتماد از سوی مردم وجود ندارد.» به فاصله یک روز پس از آنکه کودتا بسا موفقیت به پایان رسید، بازداشت گسترده طرفداران دکتر مصدق، اعضای حزب توده و جبهه ملی آغاز شد. زاهدی در سراسر کشور حکومت نظامی اعلام کرد و از شاه خواست که به ایران باز گردد. در خاطرات محمدرضا پهلوی آمده که همراه ثر برای خرید بیرون رفته بودیم که در لابی هتل با پیام رمزی به من خبر دادند کودتا پیروز شد، برگردا لذا شاه که پس از موفقیت کودتا از رم به بغداد رفته بوده، تصمیم گرفت به کشور باز گردد. وی در بازگشت به کریمت روزولت (طراح کودتا) گفته بود: «من تاج و تختم را مرهون خاوند، ملت، ارتشم و شما هستم.» پس از این رویداد تیمور بختیار که به واسطه او کودتا پیروز شده بود از درجه سرهنگی به سرتیپی ارتقای مقام یافت. درجه فضل‌الله زاهدی نیز از سرلشکری به سپهبدی تغییر یافت. وی دو روز پس از کودتا، دستور باز کردن بازار و پایان حکومت نظامی را صادر کرد ولی بازاریان در اعتراض به کودتا حاضر به بازگشایی دکان‌های خود نشدند. در نهایت پس از سقوط دولت در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دکتر مصدق که در پی کودتای ۲۸ مرداد به سه سال زندان محکوم شده بود، پس از تحمل مدت مذکور آزاد و در ۱۳ مردادماه ۱۳۳۵ به زادگاهش احمداً تبعید شد. اهمیت کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در دنیا به گونه‌ای است که وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلیس در دیدار با کریمت روزولت عملیات سرنگونی دکتر مصدق را عالی‌ترین عملیات در هنگام پایان جنگ دوم جهانی تا آن روز می‌نامد.